

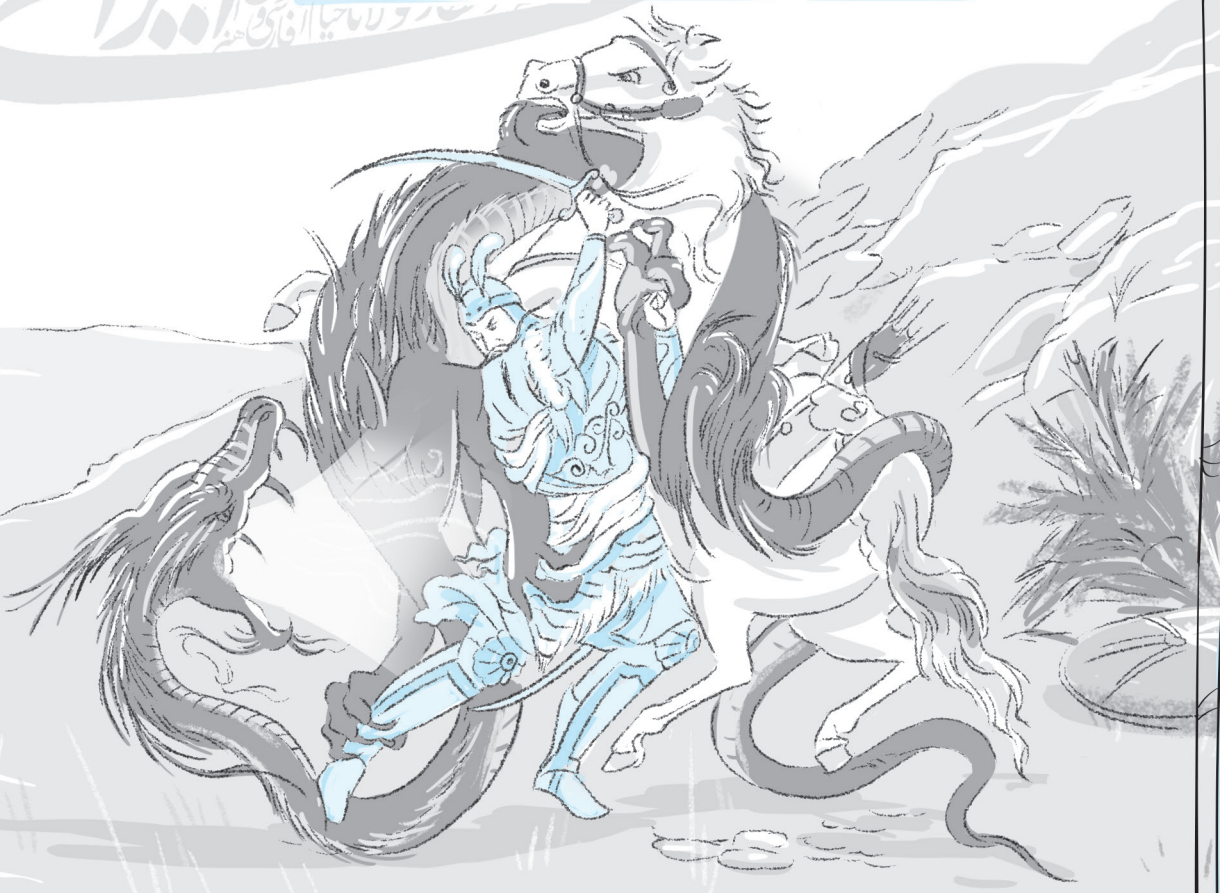
روز را درین ایام بشمار و در روز نهم ازین ایام بخانه نیکویش و نیکویش
و در روز نهم ازین ایام بخانه نیکویش و نیکویش

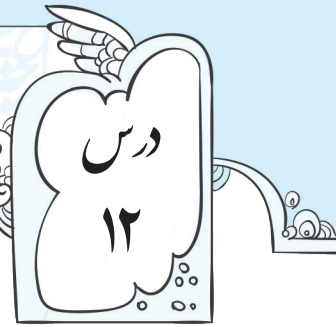
پایه یازدهم

فصل

ادبیات حماسی

کرم جان خود را فدای وطن	که با او چنین است پیمان من
دفاع از وطن، کیش فرزانی است	گذشتن ز جان، رسم مردانگی است
کسی کز بدی، دشمن میهن است	بیزدان، که بدتر از اهر پین است





کاوه دادخواه اگنج حکمت (کاردانی)

در جریان درس

خواننده می‌گذارد. اختناق و وارونگی ارزش‌ها، تسلط بدی‌ها بر خوبی‌ها، اعتراض و دادخواهی، ظلم‌ستیزی و دعوت به قیام، مهم‌ترین مفاهیم این بخش‌اند.

کاردانی

حکایت کشتی‌گیری است که زور بازوی فراوان دارد، اما اصول و قواعد مبارزه را نمی‌داند. در مقابل، راوی داستان، خود، اهل فن است و «گنج حکمت» روایت شکست کشتی‌گیر به دست راوی است. «ترجیح تدبیر و دانش بر زور بازو»، مفهوم مهم این بخش است.

جریان درس دوازدهم به حماسه کاوه دادخواه می‌رسد. در بخش «گنج حکمت» هم، حکایتی با مضمون تعلیمی آمده است.

کاوه دادخواه

حماسه کاوه دادخواه روایت پیروزی ملت ستم‌دیده بر حکومت ظلم و فساد و تباهی است. ضحاک مظهر خوی شیطانی است و کاوه نماد مردم دردمند. در جامعه‌ای که ضحاک بر آن فرمان می‌راند، تاریکی و ظلم بر همه جا چیره شده است. حکیم فردوسی، تصویری از آن دوران را به زیبایی هرچه تمام‌تر پیش چشم

زیر نظر

ملی و قهرمانی در حماسه کاوه دادخواه، بررسی نمونه‌های آرایه تضاد و مجاز در درس، توجه به کارکرد نمادین «درفش کاویان».

🔗 **در قلمرو فکری:** توجه به کارکرد «مار» به عنوان مظهر اهریمن و خوهای اهریمنی و بیداد و منش خبیث، بررسی انگیزه فریدون در قیام ضد ضحاک، تحلیل شخصیت بزرگان کشور که در امضا کردن استشهادنامه با ضحاک همکاری کردند.

هنگام مطالعه و مرور درس دوازدهم، در قلمروهای سه‌گانه تحلیل متن، این موارد را زیر نظر بگیر:

🔗 **در قلمرو زبانی:** توجه به معنی خاص برخی واژگان به کار رفته در این حماسه در زمان شاعر، توجه به معنی خاص واژه «گر» به عنوان ویژگی سبکی زبان فردوسی، بررسی وضعیت‌های چهارگانه‌ای که در گذر زمان برای هر واژه پیش می‌آید.

🔗 **در قلمرو ادبی:** توجه به زمینه‌های حماسه و به عنوان نمونه، زمینه‌های

ابیات و عبارات مهم

کاوه دادخواه

در محیطی که پادشاه بیدادپیشهٔ ماردوش به وجود آورده بود، تاریکی و ظلم بر همه‌جا چیرگی داشت و کسی ایمن نمی‌توانست زیست.:

اختناق و وارونگی ارزش‌ها / تسلط بدی‌ها بر خوبی‌ها / وصف حکومت ظالمانهٔ ضحاک

کاوه و هزاران تن دیگر را ناگزیر به بهای جان خویش به نافرمانی و قیام برانگیخت.:: دعوت به قیام / ظلم‌ستیزی

اختناق و وارونگی ارزش‌ها / تسلط بدی‌ها بر خوبی‌ها / وصف حکومت ظالمانهٔ ضحاک	پراگنده شد نام دیوانگان	نهان گشت کردار فرزندانگان
اختناق و وارونگی ارزش‌ها / تسلط بدی‌ها بر خوبی‌ها / وصف حکومت ظالمانهٔ ضحاک	نهان راستی، آشکارا گزند	هنر خوار شد، جادویی ارجمند
هراس ظالمان از نابودی و عاقبت وخیم ظلم	کشید ازدهافش به تنگی فراز	برآمد بر این روزگار دراز
هراس ظالمان از نابودی و عاقبت وخیم ظلم	به نام فریدون گشادی دولب	چنان بُد که ضحاک را روز و شب
جلب حمایت بزرگان کشور برای تحکیم پادشاهی خود	که در پادشاهی گند پشت راست	ز هر کشوری مهتران را بخواست
هراس ظالمان از نابودی و عاقبت وخیم ظلم	که بر بخردان این سخن، روشن است	مرا در نهانی یکی دشمن است
هراس ظالمان از نابودی و عاقبت وخیم ظلم	گوی، بدنزادی، دلیر و سترگ	به سال اندکی و به دانش بزرگ
هراس ظالمان از نابودی و عاقبت وخیم ظلم	که جز تخم نیکی، سپهبد نکشت	یکی محضر اکنون ببايد نوشت
هراسیدن از ظالمان و تسلیم در برابر آنان	برآن کار گشتند هم‌داستان	ز بیم سپهبد همه راستان

هراسیدن از ظالمان و تسلیم در برابر آنان	بر آن محضر ازدها ناگزیر	گواهی نوشتند بُرنا و پیر
اعتراض و دادخواهی / بی‌پروایی در برابر ظالم / ظلم‌ستیزی	هم آنگه یکایک ز درگاه شاه	برآمد خروشدین دادخواه
اعتراض و دادخواهی / بی‌پروایی در برابر ظالم / ظلم‌ستیزی	خروشید و زد دست بر سر ز شاه	که شاها منم کاوه دادخواه!
اعتراض و دادخواهی / بی‌پروایی در برابر ظالم / ظلم‌ستیزی	یکی بی‌زیان مرد آهنگرم	ز شاه، آتش آید همی بر سرم
اعتراض و دادخواهی / بی‌پروایی در برابر ظالم / ظلم‌ستیزی	تو شاهی و گر ازدهاپیکری	بباید بدین داستان داوری
اعتراض و دادخواهی / بی‌پروایی در برابر ظالم / ظلم‌ستیزی	که گر هفت‌کشور به شاهی تو راست	چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟
نکوهش یاری‌کنندگان ظالم / ضرورت خداترسی	خروشید کای پامردان دیو	بریده دل از ترس گیهان خدیو
ظلم‌ستیزی / نه‌راسیدن از ظالمان	همه سوی دوزخ نهادید روی	سپردید دل‌ها به گفتار او
ظلم‌ستیزی / نه‌راسیدن از ظالمان	نباشم بدین محضر اندر گوا	نه هرگز براندیشم از پادشا
دعوت به قیام / ظلم‌ستیزی	خروشید و برجست لرزان ز جای	بدزید و بسپرد محضر به پای
دعوت به قیام / ظلم‌ستیزی	همی برخروشید و فریاد خواند	جهان را سراسر، سوی داد خواند
دعوت به قیام / ظلم‌ستیزی	از آن چرم، کاهنگران پشت پای	بیوشند هنگام زخمِ درای
دعوت به قیام / ظلم‌ستیزی	همان، کاوه آن بر سر نیزه کرد	همان‌گه ز بازار برخاست گرد
دعوت به قیام / ظلم‌ستیزی	خروشان همی رفت نیزه به دست	که ای نامداران یزدان پرست
دعوت به قیام / ظلم‌ستیزی	کسی کاو هوای فریدون کند	دل از بند ضحاک بیرون کند
دعوت به قیام / ظلم‌ستیزی / ظالم دشمن خداست.	بپوید کاین مهتر آهرمن است	جهان آفرین را به دل، دشمن است
مبارزه با ظالم با پشتیبانی مردم میسر است.	فریدون چو گیتی بر آن گونه دید	جهان پیش ضحاک وارونه دید
قیام / ظلم‌ستیزی	همی رفت منزل به منزل چو باد	سری پر ز کینه، دلی پر ز داد
هراس ظالمان از نابودی و عاقبت وخیم ظلم	به شهر اندرون هرکه بُرنا بدند	چه پیران که در جنگ، دانا بدند
ناپایداری و عاقبت وخیم ظلم / غلبه حق بر باطل	سوی لشکر آفریدون شدند	ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند
ناپایداری و عاقبت وخیم ظلم / غلبه حق بر باطل	پس آنگاه ضحاک شد چاره‌جوی	ز لشکر سوی کاخ بنهاد روی
ناپایداری و عاقبت وخیم ظلم / غلبه حق بر باطل	ز بالا چو پی بر زمین بر نهاد	بیامد فریدون به کردار باد
ناپایداری و عاقبت وخیم ظلم / غلبه حق بر باطل	بر آن گرزۀ کاوسر دست بُرد	بزد بر سرش ترگ بشکست خُرد
ناپایداری و عاقبت وخیم ظلم / غلبه حق بر باطل	بیاورد ضحاک را چون نؤند	به کوه دماوند کردش به بند
ناپایداری و عاقبت وخیم ظلم / غلبه حق بر باطل	از او نام ضحاک چون خاک شد	جهان از بد او همه پاک شد

کاردانی

بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی: بی‌رقیب و شکست‌ناپذیر بودن

با جوانان چو دست بگشادی پای گردون پیر بربستی بی‌رقیب و شکست‌ناپذیر بودن

در حال که کشتی‌گیر دست بر هم زد، پایش بگرفتم و سرش به زمین محکم زدم: ترجیح تدبیر و دانش بر زور بازو

علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق. استعداد مجزّد، جز حسرت روزگار نیست: ترجیح تدبیر و دانش بر زور بازو

زور داری، چون نداری علم کار لاف آن نتوان به آسانی زدن ترجیح تدبیر و دانش بر زور بازو

کارگاه متن پژوهی

تویک ساعت چو آفریدون به میدان باش تازان پس به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی تلاش، کلید کامیابی است.

معنی واژه

واژه‌نامه

سپردن: پای‌مال کردن و زیر پا گذاشتن
 سپهبند: فرمانده و سردار سپاه
 سَبک: فوراً و سریع (در این درس)
 غو: نعره کشیدن، فریاد، خروش، غریو
 فایق: برگزیده، پیروز
 گَرزه: گرز، کویال، عمود آهنین؛ گَرزه گاوَسر: گرز فریدون که به شکل سرِ گاو‌میش، از فولاد ساخته بودند.
 لاف زدن: خودستایی کردن، دعوی باطل کردن
 مجرّد: صرف
 محضر: استشهدادنامه، متنی که ضحاک برای تبرئه خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود.
 موبدان: پیشوایان روحانی زردشتی
 نفیر: فریاد و زاری با صدای بلند
 نَوَند: اسب، اسب تندرو
 هنر: فضیلت، معرفت، علم
 یکایک: ناگهان

اژدهاپیکر: در شکل و هیئت اژدها، دارای نقش اژدها
 اژدهافش: مانند اژدها، ضحاک
 اساطیر: جمع اسطوره؛ افسانه‌ها و داستان‌های خدایان و پهلوانان ملل قدیم
 الحاح: اصرار، درخواست کردن
 بازارگاه: کوچه سرپوشیده که از دو سوی دارای دکان باشد؛ در متن درس، مقصود اهل بازار است.
 پایمردان دیو: دستیاران حکومت، توجیه‌کنندگان حکومت بیداد
 پایمردی: خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت
 پشت پای: روی پا، سینه پا
 ترگ: کلاه‌خود
 تفرّج: گشت‌وگذار، تماشای سیر و گردش
 خجسته: فرخنده، مبارک
 خوالیگر: آشپز
 درفش: پرچم، بیرق
 درفش کاویان: درفش ملی ایران در عهد ساسانی، نماد پیروزی
 دژم: خشمگین
 زخمِ درای: ضربه پتک؛ درای، در اصل زنگ کاروان است.

منن درس

سوفار: بخش انتهایی تیر که در چله کمان گذاشته می‌شود.
 شهره: مشهور، نامی، نامدار، معروف
 شهریار: پادشاه
 فتنه: آشوب، فساد، تباهی
 فتراک: ترک‌بند، تسمه و دوالی که از عقب زین اسب می‌آویزند و با آن چیزی را به ترک می‌بندند.
 برگستوان: زره و پوششی که هنگام جنگ روی اسب می‌افکندند یا خودشان می‌پوشیدند.
 کثیف: ناپاک، آلوده (در گذشته در معنی «غلیظ، ستبر و فشرده» به کار می‌رفته.)
 کهتر: خردتر، خردسال‌تر
 گرد: دلیر، پهلوان
 گزند: آسیب، آفت
 گو: دلیر، پهلوان
 گیهان: جهان، دنیا
 معرّب: عربی‌شده، لغتی که عرب آن را از زبان دیگر گرفته و پس از تغییر و تصرّف به شکل لغت عربی درآورده باشد.
 منش: خو، سرشت، طبیعت
 مهتر: بزرگ، رییس، سرور
 ناگزیر: ناچار
 همداستان: همراه، موافق، هم‌رأی
 سالار: سردار، سپهسالار

انجمن گشتن: جمع‌شدن
 باگهر: نجیب، اصیل، شریف
 پویدن: دویدن، به شتاب رفتن
 بخرد: باخرد، عاقل، هوشیار، خردمند، دانا
 بدر: ماه تمام، ماه شب چهارده
 اندیشیدن: ۱- فکر کردن، تأمل کردن ۲- ترسیدن
 بُونا: جوان
 پی: پا، قدم
 چیرگی: استیلا، پیروزی، تسلط
 خبیث: پلید، ناپاک، بدسیرت
 خدیو: خداوند، پادشاه
 خلد: بهشت
 خورشگر: آشپز
 داستان: ۱- سرود، نغمه ۲- نیرنگ، فریب ۳- لقب زال
 روضه: باغ، گلزار
 زال: ۱- پیر، فرتوت ۲- کسی که موهای سر و تنش سفید باشد. ۳- نام پدر رستم
 سترگ: بزرگ، عظیم
 سوگند: قسم (در گذشته در معنی «گوگرد» به کار می‌رفته. در قدیم برای تشخیص گناهکار از بی‌گناه، آب آمیخته با گوگرد به متهم می‌نوشاندند و عقیده داشتند اگر فرد بی‌گناه باشد، سالم می‌ماند.)

املا

واژگان هم‌آوا و متشابه

غو (خروش) ~ قو (نام پرنده‌ای)
هلال (ماه نو) ~ حلال (جایز)

خواست (طلب کرد) ~ خاست (بلند شد)
زال (لقب پدر رستم) ~ زال (گمراه)

واژگان تک‌املا

ابلیس (اهریمن)
اهریمن (شیطان)
برگستوان (نوعی زره)
پوزه (گرداگرد دهان)
تفرّج (سیر و گردش)
الحاح (اصرار)
خوالیگر (آشپز)
سترگ (بزرگ)
سوفار (بخش انتهایی تیر)
سوغند (قسم)
ضحاک (نام شخصیتی در شاهنامه)
فتراک (ترک‌بند)
فایق (برگزیده)
گزند (آفت)
ناگزیر (ناچار)

اتّحاد (یکی شدن) ← متّحد
اساطیر (افسانه‌های خدایان و ...) ← اسطوره
بی نظیر (بی‌مانند) ← نظایر
تجسّم (در تصوّر آوردن) ← مجسّمه
حیران (سرگشته) ← تحیّر
خبیث (پلید) ← خبث
خصلت (خوی) ← خصال
روضه (گلزار) ← ریاض
علاج (درمان) ← معالجه
فتنه (تباهی) ← مفتون
کثیف (ناپاک) ← کثافت
لایق (شایسته) ← لیاقت
محضر (استشهادنامه) ← حضور، حاضر
مظهر (الگو) ← ظهور
معزّب (عربی‌شده) ← عرب

زبان فارسی

۱- کاربرد واژگان در متن: پیش‌تر با این موضوع آشنا شدی که برخی واژه‌ها با توجه به کاربردشان در متن می‌توانند دارای معانی متفاوتی باشند. به نمونه‌های زیر نگاه کن:

منزل	یکایک	زضم	پی	شوخ	کثیف	گر	درای	محضر
خانه	یک به یک	جراحت	دنبال	بذله‌گو	ناپاک	مخفّف اگر	زنگ کاروان	محلّ حضور
محلّ فرود آمدن	ناگهان	ضربه	پا	چرک	غلیظ	یا	پتک	استشهادنامه

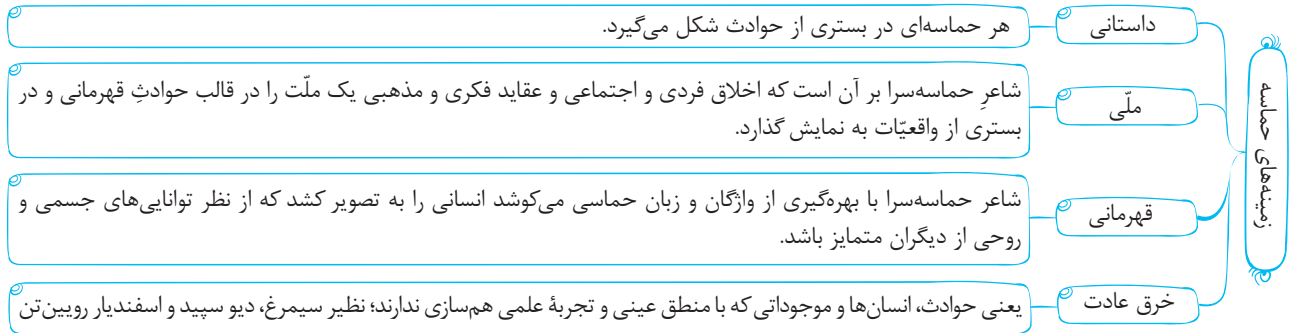
۲- وضعیت واژه‌ها در گذر زمان: واژه‌ها و معنای آن‌ها همیشگی و ماندگار نیستند؛ ممکن است در گذر زمان، برای هر واژه، یکی از چهار وضعیت زیر پیش آید:



تاریخ ادبیات

زمینه‌های حماسه

حماسه دارای چهار زمینه اصلی است:



روضه خلد (نثر): مجد خوافی

شاهنامه (نظم): فردوسی



Blank writing area with horizontal lines for notes.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

قلمرو زبانی

۱- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «باگهر - چیرگی - خبیث - کثیف» اشاره شده است؟

- (۱) شریف - استیلا - ناپاک - فشرده
(۲) نجیب - مغلوب شدن - پلید - آلوده
(۳) اصیل - پیروز - زشت - غلیظ
(۴) ارزشمند - تسلط - بدسیرتی - ناپاک

۲- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

اژدهافش (مانند اژدها) / بازارگاه (کوچه سرپوشیده که از دو سوی دارای دکان باشد) / ترگ (پتک) / درفش (بیرق) / سپردن (واگذار کردن) / غو (پلید) / نفیر (فرستاده) / مجزد (صرف)

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

نوند (پربشان) / خوالیگر (آوازه‌خوان) / اژدهاپیکر (دارای نقش اژدها) / پایمردی (شفاعت) / خجسته (مبارک) / زخم (ضربه) / فایق (برگزیده) / محضر (استشهادنامه)

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۴- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

هنر (فضیلت) / موبدان (پیشوایان روحانی زردشتی) / الحاح (زاری کردن) / پشت پای (سینه پا) / پایمردان دیو (توجیه‌کنندگان حکومت بیداد) / سپهبد (فرمانده و سردار سپاه) / گرز (کوپال) / تفرج (گشت‌وگذار)

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۵- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

ناگزیر (ناچار) / منش (سرشت) / شهریار (پادشاه) / خبیث (ناپاک) / بدر (ماه شب چهارده) / باگهر (اصیل) / سوفار (شکافنده) / برگستوان (کلاه‌خود)

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۶- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

گو (پهلوان) / فتراک (میانه) / خدیو (خداوند) / بخرد (هوشیار) / کهتر (بزرگ‌تر) / معرب (عربی‌شده) / فتنه (آشوب) / خلد (بهشت)

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۷- در معنی واژه‌های کدام گزینه اشتباه وجود ندارد؟

- (۱) نوند: اسب تندرو / محضر: استشهادنامه / فایق: استوار
(۲) لاف زدن: خودستایی کردن / سپردن: واگذار کردن / سپهبد: فرمانده و سردار سپاه
(۳) تفرج: سیر و گردش / پایمردان دیو: دستیاران حکومت / الحاح: اصرار
(۴) غو: نعره کشیدن / موبدان: پیشوایان روحانی زردشتی / درفش: بیشتر

۸- در معنی واژه‌های کدام گزینه اشتباه وجود دارد؟

- (۱) اژدهاپیکر: در شکل و هیئت اژدها / اساطیر: خدایان و پهلوانان ملل قدیم / پایمردی: خواهشگری
(۲) درفش کاویان: درفش ملی ایران در عهد ساسانی / سبک: فورا / مجزد: صرف
(۳) سوفار: بخش انتهایی تیر که در چله کمان گذاشته می‌شود. / خبیث: پلید / گرد: پهلوان
(۴) مهتر: سرور / کثیف: غلیظ / فتنه: تباهی

۹- در معنی واژه‌های کدام گزینه اشتباه وجود دارد؟

- (۱) روضه: گلزار / خبیث: ناپاک / اندیشیدن: ترسیدن
(۲) شهریار: پادشاه / کهتر: خردتر / گو: دلیر
(۳) ناگزیر: ناچار / سالار: سپهسالار / گیهان: دنیا
(۴) شهره: نامدار / خلد: بهشت / برنا: قدرتمند

۱۰- در معنی واژه‌های کدام گزینه اشتباه وجود دارد؟

- ۱) چیرگی: استیلا / سوفار: گوگرد / فتراک: ترک‌بند
- ۲) گزند: آفت / هم‌داستان: هم‌رأی / منش: سرشت
- ۳) خورشگر: آشپز / بخرد: خردمند / سترگ: بزرگ
- ۴) برگستوان: زرهی که هنگام جنگ روی اسب می‌افکنند. / مهتر: سرور / خدیو: خداوند

۱۱- معنی واژه «راست» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) چون بنگرد بزرگی بیند به دست چپ
- ۲) زمین و آسمان بهر تو آراست
- ۳) چو در ره می‌روی منگر چپ و راست
- ۴) خون روان شد هم‌چو سیل از چپ و راست

- ۱) چون بنگرد سعادت بیند به دست راست
- ۲) از این برخاستی با قامت راست
- ۳) نظر بر خویش کن کاین سخت زیباست
- ۴) کوه کوه اندر هوا زین گرد خاست

۱۲- معنی واژه «محضر» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) تا ورق برگشت، محضرها به خون ما نوشت
- ۲) گاه براند به نیم هم‌چو کبوتر ز وطن
- ۳) مه و خورشید سالاران گردون اندر این بیعت
- ۴) آن‌چه حالی در ضمیر آمد همین ابیات بود

- ۱) چون قلم آن راکه با خود یک‌زبان پنداشتیم
- ۲) گاه به صد لابه مرا خواند تا محضر خود
- ۳) نشست‌ستند یکجا و نبشته‌ستند محضرها
- ۴) کاندرا این محضر به خط خویش بنوشت انوری

۱۳- معنی واژه «یکایک» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) یکایک به نوبت همی بگذریم
- ۲) بگفتند پیشش یکایک مهان
- ۳) چو آمد به نزدیک آن ژرف چاه
- ۴) این کارهای من که گره در گره شده‌ست

- ۱) سزد گر جهان را به بد نسپریم
- ۲) سخن‌های شاهان و گشت جهان
- ۳) یکایک نگون شد سر بخت شاه
- ۴) بگشادمی یکایک اگر چیره‌دستمی

۱۴- معنی واژه «بر» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) همی بود آن شب بر ماهروی
- ۲) با دفتر اشعار بر خواجه شدم دی
- ۳) حدیث آن‌که سکندر کجا رسید و چه کرد
- ۴) بر علم او هیچ پوشیده نیست

- ۱) همی گفت از هر سخن پیش اوی
- ۲) من شعر همی خواندم و او ریش بجنباندم
- ۳) ز بس شنیدن گشته‌ست خلق را از بر
- ۴) که پیدا و پنهان به نزدش یکی‌ست

۱۵- معنی واژه «گر» در همه گزینه‌ها یکسان است: به جز

- ۱) گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی
- ۲) تو راکه گفت که سعدی نه مرد عشق تو باشد
- ۳) تلی هر سویی مرغ و نخجیر بود
- ۴) گر بیایی دهمت جان و نیایی کشدم غم

- ۱) دوست ما را و همه جنت فردوس شما را
- ۲) گر از وفات بگردم درست شد که نه مردم
- ۳) اگر کشته گر خسته تیر بود
- ۴) من که بایست بمیرم چه بیایی چه نیایی

۱۶- معنای «شد» در همه ابیات، به جز بیت یکسان است.

- ۱) پراندیشه شد جان کاووس‌کی
- ۲) کجا شد سیامک شه نازنین؟
- ۳) بدو گفت بشتاب و برکش سپاه
- ۴) بدان‌گه که شد پیش کاووس باز

- ۱) ز فرزند و سودابه نیک‌پی
- ۲) کجا رفت هوشنگ با داد و دین؟
- ۳) نگه کن که لشکر کجا شد ز راه
- ۴) فرود آمد از باره، بردش نماز

۱۷- معنی فعل «آمد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) جهانی کشته آمد بر سر او
- ۲) کرد بر من چه‌ها پدید در آن
- ۳) این است سخن که گفته آمد
- ۴) دبیر نویسنده آمد چو باد

- ۱) ولی یک تن نشد دور از بر او
- ۲) که دل از دیده آدمم نگران
- ۳) گر نیست درست، برمخوانید
- ۴) نوشت آن‌چه دارا بدو کرد یاد

۱۸- معنی واژه «سبک» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) چو این نامه خواندی سبک برنشین
- ۲) چو یاقوت باید سخن بی‌زیان
- ۳) چو رامشگر آن خانه تنها بدید
- ۴) ز کشتی سبک بادبان برکشید

۱۹- معنی فعل «اندیشیدن» در همه گزینه‌ها یکسان است، به جز

- ۱) ز بس عدل و ز بس داد چنان کرد جهان را
- ۲) هرچه بخواهی کنون بخواه و میندیش
- ۳) عیشی است مرا با تو چونان که نیندیشی
- ۴) بدین گفتار شیرین رام گردد

۲۰- معنی فعل «خواندن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) فرستاده را پیش خود خواندی
- ۲) در این بزمگه شادی آراستند
- ۳) تا مرا هست و دیگرم باید
- ۴) من با تو ای جسد ننشینم در این سرای

۲۱- معنی واژه «زخم» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) گر این زخم را چاره دانستی
- ۲) اگر بر جوشن دشمن زند تیغ
- ۳) زخمی چنان نبود که مرهم توان نهاد
- ۴) شد بدل هجران به وصل و داغ غم دارم هنوز

۲۲- معنی واژه «زخم» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) آن یکی از خشم مادر را بکشت
- ۲) این چه استغناست یارب وین چه قادر حکمت است
- ۳) رو بگرداند چو بیند زخم را
- ۴) حق مرا گفته تو را لطفی دهم

۲۳- معنی واژه «هوا» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) غم جمله خور در هوای یکی
- ۲) هوا بینی همه ارواح بی‌تن
- ۳) ای چون هوا لطیف ز رنج هوای تو
- ۴) ز روی هوا ابر شد ناپدید

۲۴- معنی واژه «پی» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) یکی شاه گیلان یکی شاه ری
- ۲) به فرجام روز تو هم بگذرد
- ۳) سگ اصحاب کهف روزی چند
- ۴) همه یال اسبان پر از مشک و می

۲۵- معنی واژه «شوخ» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) بخلش جایی رسیده کاو نگذارد
- ۲) شوخ شیخ آورد تا بازوی او
- ۳) پری‌چهره بتان شوخ دل‌بند
- ۴) شیخ گفتا شوخ پنهان کردن است

که بی روی تو هستم اندوهگین
سبک‌سنگ لیکن بهایش گران
سبک پرده راز را بردرید
جهان‌جوی را سوی قیصر کشید

که از شیر نیندیشد در بیشه غزالی
کت برساند به کام و آرزوی خویش
حالی است مرا با تو چونان که نینداری
نیندیشد کز آن بدنام گردد

بر تخت زریئش بنشاندی
جهان را بخواندند و می خواستند
گر نخوانند زاهدی شاید
کایزد همی بخواند به جای دگر مرا

طلب کردمی گر توانستی
به یک زخمش کند دو نیمه جوشن
داروی دل چه فایده دارد که جان برفت
زخم به گردد ولی ماند نشانش سال‌ها

هم به زخم خنجر و هم زخم مشت
کاین همه زخم نهان است و مجال آه نیست
رفتن او بشکند پشت تو را
بر سر آن زخم‌ها مرهم نهم

مراعات صد کن برای یکی
زمین بینی همه اجسام بی‌جان
شب‌ها دو دست خویش همی بر هواکنم
به ایران کسی برف و باران ندید

که بفشاردندی گه جنگ پی
سپهر روانت به پی بسپرد
پی نیکان گرفت و مردم شد
شکر با درم ریخته زیر پی

شوخ به گرمابه‌بان و موی به حجام
جمع کرد آن جمله پیش روی او
ز خال و لب سرشته مشک با قند
پیش چشم خلق ناآوردن است

۲۶- معنی واژه «دستان» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) چرخ بدمهرش کنون کز من به دستان در ربود
- (۲) دنیا بفریید به مکر و دستان
- (۳) نه بلبل ز بلبل به دستان فزون
- (۴) جوانان پیل افکن شیرگیر

۲۷- معنی واژه «زال» در همه گزینه‌ها یکسان است، به جز

- (۱) چه خوش گفت زالی به فرزند خویش
- (۲) چنان سایه گسترد بر عالمی
- (۳) دانی که چه گفت زال با رستم گرد
- (۴) دید زالی نشسته بر سر راه

۲۸- تلفظ و معنی «منش» در همه گزینه‌ها یکسان است، به جز

- (۱) بترسید سخت از پی سرزنش
- (۲) گرچه با جان منش پیوندهاست
- (۳) در عشق جوی ما را در ما بجوی او را
- (۴) ترجمانی من و صد چون منش محتاج نیست

۲۹- تلفظ و معنی فعل «سپردن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) به پای اندر افگند و بسپرد خوار
- (۲) رمیدند پیلان و اسبان ز جای
- (۳) این ز تأثیر آن نموده اثر
- (۴) به زیر پای فرمان بسپرم من

۳۰- تلفظ و معنی واژه «گرد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) به گرد پای سمدش نمی‌رسد مشتاق
- (۲) از درش گردی که آرد باد صبح
- (۳) بیا از گرد ره در دیده بنشین
- (۴) ایا خورشید سالاران گیتی

۳۱- معنی واژه «مضر» در مصراع «چو برخواند کاوه همه محضرش» کدام است؟

- (۱) در محضر ضحاک
- (۲) امضا
- (۳) دلایل
- (۴) استشهدنامه

۳۲- «نه هرگز برانديشم از پادشا» یعنی: من هرگز

- (۱) از سلطان نمی‌هراسم.
- (۲) به پادشاه فکر نمی‌کنم.
- (۳) از شاه‌گله‌ای در سر ندارم.
- (۴) از سلطان تقاضایی ندارم.

۳۳- «سپردن» یعنی:

- (۱) قدم زدن
- (۲) مقاومت کردن
- (۳) پای‌مال کردن
- (۴) ایستادن

۳۴- «منش» یعنی:

- (۱) بلندهمت
- (۲) کبر و غرور
- (۳) خصلت و خوی
- (۴) راه و روش

۳۵- معنی «پشت پای» در بیت «از آن چرم کاهنگران پشت پای / ببوشند هنگام زخم درای» چیست؟

- (۱) هنگام کار
- (۲) روی کمر
- (۳) روی پا
- (۴) روی سینه و شکم

۳۶- «دژم» یعنی:

- (۱) دشمن
- (۲) بدخو
- (۳) سخت‌گیر
- (۴) خشمگین

۳۷- در کدام گزینه «گر» معنایی متفاوت دارد؟

- (۱) گر تو می‌دانی حسابش را درست (۲) روزها گر رفت، گو، رو، باک نیست (۳) گر چه بس آلوده در راه آمدم (۴) تو شاهی و گر ازدهاپیکری

۳۸- در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) هر که عاشق نبود مرد نشد
- ۲) دشمن خرد است بلایی بزرگ
- ۳) پس از الهاح ایشان کردم آغاز
- ۴) خموش حافظ و از جور یار ناله مکن

۳۹- در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) میلیم همه جایی است که خواری همه آن جاست
- ۲) چشم او قصد عقل و دین دارد
- ۳) برهد از بیش وز کم قاضی و مدعی هم
- ۴) از دو چشمش تیز گردد ساحری ابلیس را

۴۰- در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) تو خود به جوشن و برگستوان نه محتاجی
- ۲) می‌خواستمت پیشکشی لایق خدمت
- ۳) بر بوی عیادت تو امشب همه شب
- ۴) غو دیده‌بان آید از دیدگاه

۴۱- در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) پیش این خورشید کی تابد هلال
- ۲) بدین دو دیده حیران من هزار افسوس
- ۳) که اساتیر است و افسانه‌ی نژند
- ۴) ز قدر و نظم تو دارند بهره زان نشدند

۴۲- در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) بیامد به درگاه سالار نو
- ۲) هست بیرون قطره خرد و بزرگ
- ۳) سر کرد ناز و فتنه و عالم فروگرفت
- ۴) تا ورق برگشت، محضرها به خون ما نوشت

۴۳- املائی واژه‌ها در همه گزینیه‌ها درست است، به جز

- ۱) حکیمان راه نورو سیر برگردون به روز و شب
- ۲) در باغ شد شکفته به هر جانبی گلی
- ۳) ز نعل مرکب و از طبل باز تو گیرند
- ۴) رستم آن معرکه نبود، از آتش

۴۴- املائی واژه‌ها در همه گزینیه‌ها درست است، به جز

- ۱) چون به صد الهاح آمد سوی در
- ۲) دنیا به چه کار آید و فردوس چه باشد
- ۳) اتحاد یار با یاران خوش است
- ۴) که معانی آن جهان صورت شود

۴۵- در عبارت زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«و بدان که دنیا خویشتن را در لباس عروسان به جهانیان می‌نماید و زینت و زیور بدان‌ها عرضه می‌دهد. آرایش ظاهر را مدد غرور بی‌خردان گردانیده و حریصان را بدان می‌انگیزد و همچنان الهاح کند تا همگان در دام آفت او می‌افتند و اسیر مراد و هوای او می‌شوند؛ از خبص باطن و مکر خلقتش غافل و از سستی عهدش بی‌خبر.»

نقره فایق نگشت تا نگداخت
غفلت از او هست خطایی سترگ
جواب نامه در الفاظ ایجاز
تو را که گفت که در روی خوب حیران باش

با خصلت ذاتی چه کنم فطرتم این است
لشکر فتنه در کمین دارد
چون که آن ماه یک دم مست در محضر آید
وز لبانش کند گردد تیغ عزراییل را

که روز معرکه بر خود زره کنی مو را
جان نیک حقیر است ندانم چه فرستم
ز ایزد به دعا درد همی‌خواهم خاست
که از دشت برخاست گرد سپاه

با چنان رستم چه باشد زور زال
که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم
نیست تعمیقی و تحقیقی بلند
چو باد و خاک کثیف و مدور آتش و آب

بدیدنش از دور برخاست قو
در صدف آن در خرد است و سترگ
شاه کدام عرصه گذشت این سپاه کیست؟
چون قلم آن را که با خود یک‌زبان پنداشتیم

گهی رهبر چو یزدان‌اند و گه رهن چو اهریمن
فریاد عندهلیب ز هر جانبی بخاست
هلال و بدر به چرخ بلند بر اشکال
پنجه به هم در شکست ضال حقیقت

گفت آخر چیست ای جان پدر
از بارخدا به ز تو حاجت نتوان خواست
پای معنی گیر صورت سرکش است
نقش هامان در خور خصلت شود

۴۶- در عبارت «اندیشه نقض عهد و خلاف وعده می‌کرد تا دلایل مکر او ظاهر گشت و اتباع و حشم او از آن خطه بیرون کردند و آن خطه از خبص و فساد آن نابکار پاک گردانید. امیر لشکر خصم را در محله‌های شهر ریخت و چون فایغ آمد خلقی بسیار از ایشان به زخم تیغ آورد.» چند غلط املائی هست؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴۷- در عبارت زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«انوشیروان را گفتند: وزیران پدر را چه خطا دیدی که بند فرمودی؟ گفت: خطایی معلوم نکردم، ولیکن دیدم که هراس من در دل ایشان بی‌کران است و بر عهد من اعتماد کلی ندارند؛ ترسیدم که از بیم گذند خویش، آهنگ هلاک من کنند.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴۸- بر اساس وضعیت‌های چهارگانه تغییرات معنی واژه در طول زمان، وضعیت واژه‌های «برگستوان - رکاب - کثیف - دیوار»، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) حذف واژه - حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید - تغییر معنی - حفظ معنی قدیم

(۲) حذف واژه - حفظ معنی قدیم - حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید

(۳) تغییر معنی - حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید - تغییر معنی - حفظ معنی قدیم

(۴) تغییر معنی - حفظ معنی قدیم - حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید

۴۹- بر اساس وضعیت‌های چهارگانه تغییرات معنی واژه در طول زمان، وضعیت واژه‌های «بخچال - گریه - پژه - ملطفه»، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید - حفظ معنی قدیم - تحوّل معنایی - حذف واژه

(۲) حفظ معنی قدیم - حفظ معنی قدیم - حذف واژه - حذف واژه

(۳) حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید - تحوّل معنایی - حذف واژه - تحوّل معنایی

(۴) تحوّل معنایی - حفظ معنی قدیم - حذف واژه - تحوّل معنایی

۵۰- واژه‌های کدام گزینه در اثر گذر زمان، به ترتیب مشمول وضعیت‌های «حذف - تحوّل معنایی - حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید - عدم تغییر معنایی» شده است؟

(۱) ملطفه - رعنا - یخچال - آتش

(۲) آزنفاک - تماشا - کرسی - رکاب

(۳) فتراک - کثیف - دستار - چشم

(۴) باره - سفینه - جامه - انسان

۵۱- واژگان کدام گزینه در اثر گذر زمان، به ترتیب، مشمول وضعیت‌های «تحوّل معنایی - حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید - عدم تغییر معنایی - حذف» شده‌اند؟

(۱) کثیف - یخچال - اندوه - دستار

(۲) سوفار - سپر - گریه - دوال

(۳) سوگند - جامه - غم - برگستوان

(۴) شوخ - دیوار - حزن - آزنفاک



۵۲- در همه ابیات، به جز بیت به «زمینه ملی» حماسه، اشاره شده است.

(۱) همی باسماں شد به پزّ عقاب

(۲) به جمشید بر گوهر افشانند

(۳) چو دید آن درفشان درفش مرا

(۴) به ایوان خرامید و بنشست شاد

۵۳- در کدام گزینه «زمینه ملی» حماسه برجسته‌تر است؟

(۱) همی حلقه زد بر سر مرد گبر

(۲) برآشفت و شمشیر کین برکشید

(۳) بدو تازه شد مهرگان و سده

(۴) زمانه به مهر تو دارد امید

(۱) بزد پزّ سیمرغ و بر شد به ابر

(۲) چو سهراب جنگ‌آور او را بدید

(۳) بکرد اندر آن کشور آتشکده

(۴) تو کندی دل و مغز دیو سپید

۵۴- همهٔ ابیات حماسی زیر، به جز بیت دارای «زمینهٔ ملی» هستند.

- | | |
|---------------------------------|--|
| ۱) ز بیم جداییش گریان شدند | چو بر آتش تیز بریان شدند |
| ۲) به سر برش تاجی برآویختند | بر آن تاج زرّ و درم ریختند |
| ۳) و گر من نیایم چو گودرز و گیو | بخواهد ز تو کینهٔ پور نیو (نیو = شجاع) |
| ۴) پیاده شد و برد پیشش نماز | به دیدار او بُد نیا را، نیاز (نماز بردن: تعظیم کردن) |

قلمرو فکری و اطلاعات ادبی

۵۵- در کدام گزینه به نوع و پدیدآورندهٔ «روضهٔ خلد» اشاره شده است؟

- ۱) منظوم - خواجهی کرمانی ۲) منثور - خواجهی کرمانی ۳) منظوم - مجد خوافی ۴) منثور - مجد خوافی

۵۶- معنی بیت «هم آن‌گه یکایک ز درگاه شاه / برآمد خروشیدن دادخواه» چیست؟

- ۱) بعد از آن به آرامی، نوای عدل و دادگری از همه جا به گوش درباریان رسید.
 ۲) در آن لحظه ناگهان فریاد اعتراض ستم‌دیده‌ای از کاخ شاه بلند شد.
 ۳) در آن زمان پشت سر هم برای عدالت‌خواهی از بارگاه شاه به در آمدند.
 ۴) سپس، اندک‌اندک شاکیان به بارگاه حاکم درآمدند.

۵۷- در بیت «خروشید گای پایمردان دیو / بریده دل از ترس گیهان خدیو»، منظور از «دیو» و «گیهان خدیو» کدام است؟

- ۱) شیطان - امیر ۲) شیطان - فریدون ۳) ضحاک - خدا ۴) ضحاک - فریدون

۵۸- «بدو گفت مهتر به روی دژم / که برگوی تا از که دیدی ستم» یعنی: ضحاک

- ۱) با اندوه فراوان دربارهٔ ظلمی که در حق وی روا داشته بودند، گفت‌وگو کرد.
 ۲) با خوش‌حالی و اظهار شادمانی، از کاوه بازجویی کرد.
 ۳) دوستانه به او گفت که از هر کسی آزاده شده است، بازگوید.
 ۴) خشمگینانه نام کسی را که به کاوه ظلم کرده بود، از او پرسید.

۵۹- در اساطیر ایران «مار» مظهري است از:

- ۱) ضحاک ۲) شجاعت ۳) وحشت ۴) اهریمن

۶۰- معنای دقیق‌تر مصراع دوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«خروشید و برجست لرزان ز جای / بدرّید و بسپرد محضر به پای»

- ۱) استشهادنامه را پاره کرد و با اراده، کار خود را ادامه داد.
 ۲) نامه را پاره کرد و هم‌چنان راه خود را طی می‌نمود.
 ۳) در محضر پادشاه نامه را پاره کرد تا ارادهٔ خود را نشان دهد.
 ۴) استشهادنامه را پاره کرد و به زیر پا افکند.

۶۱- مفهوم بیت «تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش تا زآن پس / به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی» با همهٔ ابیات، به‌استثنای

سراسری زبان ۹۱

بیت تناسب دارد.

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱) سرافکنندگی کن که زلف نگار | سرافرازی‌اش در سرافکنندگی‌ست |
| ۲) مشو غافل ز گردیدن که روزی در قدم باشد | همین آوازه می‌آید ز سنگ آسیا بیرون |
| ۳) نشاید بهی یافت بی رنج و بیم | که بی رنج کس نآرد از سنگ سیم |
| ۴) هر آن کس که بگریزد از کارکرد | از او دور شد نام و ننگ نبرد |

سراسری ریاضی ۸۹

۶۲- کدام بیت بیانگر فضای حکومتی «ضحاک» می‌باشد؟

- | | |
|--|--|
| ۱) ز فکر تفرقه بازای تا شوی مجموع | به حکم آن که چو شد اهرمن، سروش آمد |
| ۲) رند عالم‌سوز را با مصلحت‌بینی چه کار؟ | کار ملک است آن که تدبیر و تأمل بایدش |
| ۳) خلوت دل نیست جای صحبت اضداد | دیو چو بیرون رود فرشته درآید |
| ۴) پری نهفته رخ و دیو در کرشمهٔ حسن | بسوخت دیده‌ز حیرت که این چه‌بوالعجبی‌ست؟ (بوالعجبی = تعجب‌آور) |

سراسری انسانی ۸۹

۶۳- همه ابیات، به استثنای بیت پاسخ مثبت مردم به دعوت کاوه تحت عنوان بیت زیر است:

جهان آفرین را به دل دشمن است
بر او انجمن گشت بازارگاه
ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند
برآمد خروشین دادخواه
سپاهی بر او انجمن شد نه خرد

سراسری زبان ۸۹

دانش و آزادگی گشته حرام
رادمردان بندگان را گشته رام
پراگنده شد نام دیوانگان
نهان راستی، آشکارا گزند
به دلش اندر آید ز هر سوهراس
ز نیکی نبودی سخن جز به راز

سراسری هنر ۸۸

وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا
چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟
نهان راستی، آشکارا گزند
سپردید دلها به گفتار اوی

زین عالم نپهره و گردون بی وفا (نپهره = فرومایه)

(۳) ب - پ - ت (۴) ب - الف - ث

۶۶- بیت «نهان گشت آیین فرزنانگان / پراگنده شد نام دیوانگان»، با مفهوم همه ابیات، به جز بیت متناسب است.

با صدهزار غصه یکی نان نمی‌رسد
یک ذره غم به خاطر نادان نمی‌رسد
جوید کلید و راه به دربان نمی‌رسد
کس در رموز حکمت یزدان نمی‌رسد

طاووسها شدند نهان در شکافها
سیمرغها شدند گریزان به قافها
بگرفت گرد خانه «عزّی» طوافها
شهی که افسر زرین بر آسمان سایید

۶۸- بیت «نهان گشت آیین فرزنانگان / پراگنده شد نام دیوانگان» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

که به دانش چو تو نشان ندهند
به غلط ره بر آستان ندهند
اهل دل را به جان امان ندهند
قوت یک شب به نیکوان ندهند

پراگنده شد نام دیوانگان
نهان راستی، آشکارا گزند
چون شمع سحر روز مرا شام رسیده‌ست
تا نگردد خواجه روز هم به سر آمد
مستی و بی‌خبری هست ز آگاهی به
روی بنمودی به مردم چهره گلگون عدل

«بیویید کاین مهتر آهرمن است»

(۱) چو کاوه برون آمد از پیش شاه
(۲) سوی لشکر آفریدون شدند
(۳) هم آن‌گه یکایک ز درگاه شاه
(۴) همی رفت پیش اندرون مردگرد

۶۴- همه ابیات، به جز بیت با ابیات زیر قرابت معنایی دارند.

«جهل و بی‌باکی شده فاش و حلال
واژگونه کرده عالم پوسستین

(۱) نهان گشت آیین فرزنانگان
(۲) هنر خوار شد، جادویی ارجمند
(۳) به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس
(۴) شده بر بدی دست دیوان دراز

۶۵- کدام گروه از ابیات مفهومی مشترک دارند؟

(الف) منسوخ شد مروّت و معدوم شد وفا
(ب) اگر هفت کشور به شاهی تو راست
(پ) هنر خوار شد، جادویی ارجمند
(ت) همه سوی دوزخ نهادید روی
(ث) گشته‌ست بازگونه همه رسم‌های خلق

(۱) الف - پ - ث (۲) الف - ت - ث

(۱) جهّال در تنعم و ارباب فضل را
(۲) دانا بمانده در غم تدبیر روزی‌اش
(۳) جاهل به مسند اندر و عالم برون در
(۴) این کارها به حکمت یزدان مقدر است

۶۷- کدام بیت به مفهوم متفاوتی اشاره دارد؟

(۱) خفّاشها شدند ز اشکافها برون
(۲) شهیوفاها شدند مهاجم به قصرها
(۳) مردی ز طوف کعبه عزّت کرانه کرد
(۴) درون خاک بخسبد چو زر در آخر کار

(۱) با خرد گفتم ای مدبّر کار
(۲) سقله بر صدر و اهل دانش را
(۳) به خسیسان دهند نعمت و ناز
(۴) کج‌روان را دهند خرمن‌ها

۶۹- در کدام گزینه به «مفهوم مقابل» بیت‌های زیر اشاره شده است؟

«نهان گشت آیین فرزنانگان
هنر خوار شد، جادویی ارجمند

(۱) کو صبح نشاطی که دمی شاد برآرم؟
(۲) شام به غفلت گذشت و صبح به خجلت
(۳) در زمانی که شوند اهل خرد سخره خلق
(۴) ظلمت ظلمتگر از پشت زمین برخاستی

۷۰- کدام گزینه با بیت «نباشم بدین محضر اندر گوا / نه هرگز براندیشم از پادشا» تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- ۱) به دست عدل بیخ ظلم بگسل
- ۲) کشته شد شاه شهیدان تا شماگیرید پند
- ۳) ظالمان را مهلت از مظلوم چرخ افزون دهد
- ۴) بیخ ظالم ز باغ مُلک بگن

۷۱- کدام گزینه با بیت‌های زیر تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- «خروشید کای پای‌مردان دیو
همه سوی دوزخ نهادید روی
- ۱) گر شما از ظلم می‌دارید امید
 - ۲) با اهل ستم مجوش بهر احسان
 - ۳) نفسِ ظالم می‌شود مظلوم در پیرانه‌سر
 - ۴) ظالمی را که همه‌ساله بود کارش فسق

۷۲- در کدام بیت کاوه مردم را به «قیام علیه ضحاک» فرامی‌خواند؟

- ۱) بگویند کز پاک یزدان خدای
- ۲) بیایید یک سر به درگاه من
- ۳) بگویند گستاخ با من سخن
- ۴) بیویند کاین مهتر آهرمن است

۷۳- ابیات زیر بیانگر وقایع دورهٔ پادشاهی کدام پادشاه است؟

- «از آن دو یکی را بپرداختند
برون کرد مغز سر گوسفند
یکی را به جان داد زنهار و گفت
نگر تا نباشی به آبادشهر
- ۱) فرزند آبتین ۲) فرزند گشتاسپ

۷۴- کدام گزینه با مفهوم «ظلم‌ستیزی» تناسب ندارد؟

- ۱) نهال عدل را در باغ بنشان
- ۲) برگن ز بن این بنا که باید
- ۳) ظالم و مظلوم سرمست غم‌اند
- ۴) عدل را تازه بیخ گن بر گاه

۷۵- کدام گزینه با بیت «بیویند کاین مهتر آهرمن است / جهان‌آفرین را به دل، دشمن است» تناسب معنایی دارد؟

- ۱) ظلم شاخ است و بیخ آن ظالم
- ۲) مکن صبر بر عامل ظلم‌دوست
- ۳) با آن‌که ظلم و جور تو با من ز حدگذشت
- ۴) بنای ظلم در دوران نماند

۷۶- در میان گزینه‌ها، تنها مفهوم گزینهٔ با بیت زیر ارتباط ندارد.

- «از او نام ضحاک چون خاک شد
ظالم به مرگ دست نمی‌دارد از ستم
رسم ظلم از زمانه برخیزد
پایداری نیست در آب و گلِ بنیاد ظلم
ای ستمکاره بیندیش از آن روز سیاه
- جهان از بد او همه پاک شد
آخر پر عقاب پر تیر می‌شود
ظالم از هر کرانه بگریزد
می‌کند ویران نسیمی خانهٔ صیاد را
که تو را شومی ظلم افکند از جاه به چاه

۷۷- کدام گزینه با بیت «بیاورد ضحاک را چون نوند / به کوه دماوند کردش به بند» تناسب معنایی ندارد؟

- (۱) جزای نیک و بد خلق با خدای انداز
 (۲) دیگرم صبری نماند از جورشان
 (۳) شود تاریکی ظلم از جهان دور
 (۴) بنای ظلم در دوران نماند

۷۸- همهٔ گزینه‌ها با بیت‌های زیر تناسب معنایی دارد، به جز

- «ز بالا چو پی بر زمین برنهاد
 بر آن گرزۀ گاوسر دست بُرد
 (۱) اول به ظالمان اثر ظلم می‌رسد
 (۲) جفاپیشگان را بده سر به باد
 (۳) نماند ستم‌کار بدرورگار
 (۴) برکن زبن این بناکه باید
 بیامد فریدون به کردار باد
 بزد بر سرش ترگ بشکست خرد»
 پیش از هدف همیشه کمان ناله می‌کند
 ستم بر ستم‌پیشه عدل است و داد
 بماند بر او لعنت پایدار
 از ریشه بنای ظلم برکنند



Handwriting practice lines consisting of multiple horizontal dotted lines for writing.

پاسخ‌های تشریحی

۱۱۴ واژه «بر» در این گزینه در معنی «یاد و حافظه» به کار رفته است

و در سایر گزینه‌ها در معنی «طرف، جانب و نزدیک».

۱۱۵ واژه «گر» در این گزینه در معنی «یا» به کار رفته است و در سایر

گزینه‌ها «مخفف اگر (حرف شرط)» است.

۱۱۶ فعل «شد» در این بیت اسنادی است، اما در سایر گزینه‌ها در

معنی «رفتن» به کار رفته است.

۱۱۷ فعل «آمد» در گزینه (۴) در معنی «آمدن» و متضاد «رفتن»

به کار رفته است، اما در سایر گزینه‌ها در معنی «شد» (اسنادی).

۱۱۸ واژه «سبک» در این گزینه در معنی «کم‌وزن» به کار رفته است و

در سایر گزینه‌ها در معنی «سریع».

۱۱۹ فعل «اندیشیدن» در این گزینه در معنی «فکر کردن و اندیشه

کردن» به کار رفته است و در سایر گزینه‌ها در معنی «ترسیدن».

۱۲۰ فعل «خواندن» در این گزینه در معنی «نامیدن» به کار رفته است

و در سایر گزینه‌ها در معنی «طلبیدن و دعوت کردن».

۱۲۱ واژه «زخم» در این گزینه در معنی «ضربه» به کار رفته است و در

سایر گزینه‌ها در معنی «جراحت».

۱۲۲ واژه «زخم» در این گزینه در معنی «ضربه» به کار رفته است و در

سایر گزینه‌ها در معنی «جراحت».

۱۲۳ واژه «هوا» در این گزینه در معنی «هواداری و طرفداری» به کار

رفته است و در سایر گزینه‌ها در معنی «جو».

۱۲۴ واژه «پی» در این گزینه در معنی «دنبال» به کار رفته است و در

سایر گزینه‌ها در معنی «پا».

۱۲۵ واژه «شوخ» در این گزینه در معنی «نوعی گستاخی» به کار رفته

که زبندۀ معشوق است و در سایر گزینه‌ها در معنی «چرک».

۱۲۶ واژه «دستان» در این گزینه در معنی «سرود و نغمه» به کار رفته

است و در سایر گزینه‌ها در معنی «مکر و حيله».

۱۲۷ واژه «زال» در این گزینه در معنی «نام پدر رستم» به کار رفته

است و در سایر گزینه‌ها در معنی «پیر فروتوت سفیدموی».

۱۲۸ واژه «منش» در این گزینه با تلفظ «مَنیش» در معنی «خوی و

خصلت» به کار رفته و در سایر گزینه‌ها با تلفظ «مَنش» و در واقع ترکیبی از

دو ضمیر «من» و «ش» است.

۱۲۹ واژه «سپردن» در این گزینه با تلفظ «سپَرْدن» در معنی

«واگذاشتن و تحویل دادن» به کار رفته است و در سایر گزینه‌ها با تلفظ

«سپَرْدن» در معنی «پایمال و لگدکوب کردن».

۱۳۰ واژه «گرد» در این گزینه با تلفظ «گَرْد» در معنی «دلاور و پهلوان»

به کار رفته است و در سایر گزینه‌ها با تلفظ «گَرْد» در معنی «غبار».

۱۳۱ محضَر: استشهدانامه (در داستان ضحاک و کاهو، متنی که ضحاک

برای تبرئه خود به امضای بزرگان رسانده بود).

۱۱۱ معنی درست واژه‌ها:

باگهر: نجیب، اصیل، شریف

چیرگی: استیلا، پیروزی، تسلط

خبیث: پلید، ناپاک، بدسیرت

کثیف: ناپاک، آلوده (در گذشته در معنی «غلیظ، ستر و فشرده» به کار می‌رفته).

۱۱۲ معنی درست واژه‌ها:

ترگ: کلاه‌خود

سپردن: پای‌مال کردن و زیر پا گذاشتن (سپردن: واگذار کردن)

غو: نعره کشیدن، فریاد، خروش، غریو

نفیر: فریاد و زاری با صدای بلند (سفیر: فرستاده)

۱۱۳ معنی درست واژه‌ها:

نوند: اسب، اسب تندرو

خوالیگر: آشپز

۱۱۴ معنی درست واژه: الحاح: اصرار، درخواست کردن

۱۱۵ معنی درست واژه‌ها:

سوفار: بخش انتهایی تیر که در چله کمان گذاشته می‌شود.

برگستوان: زره و پوششی که هنگام جنگ روی اسب می‌افکنند یا خودشان

می‌پوشیدند.

۱۱۶ معنی درست واژه‌ها:

فتراک: ترک‌بند، تسمه و دوالی که از عقب زین اسب می‌آویزند و با آن چیزی

را به ترک می‌بندند.

کهنتر: خردتر، خردسال‌تر (مهتر: بزرگ‌تر)

۱۱۷ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) فایق: برگزیده، پیروز

۲) سپردن: پای‌مال کردن و زیر پا گذاشتن

۴) درفش: پرچم، بیرق

۱۱۸ معنی درست واژه: اساطیر: جمع اسطوره؛ افسانه‌ها و داستان‌های

خدایان و پهلوانان ملل قدیم

۱۱۹ معنی درست واژه: بُرنا: جوان

۱۱۰ معنی درست واژه: سوفار: بخش انتهایی تیر که در چله کمان

گذاشته می‌شود.

۱۱۱ واژه «راست» در این گزینه در معنی «مستقیم و بی‌انحراف» به کار

رفته است و در سایر گزینه‌ها در معنی «سمت راست».

۱۱۲ واژه «محضر» در این گزینه در معنی «محل حضور و پیشگاه» به

کار رفته است و در سایر گزینه‌ها در معنی «استشهدانامه».

۱۱۳ واژه «یکایک» در این گزینه در معنی «ناگهان» به کار رفته است

و در سایر گزینه‌ها در معنی «یک به یک».

۱۵۱ کثیف: تحوّل معنایی [معنی گذشته: غلیظ، انبوه، ستر / معنی جدید: چرک‌آلود] / یخچال: حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید [معنی قدیم: گودالی که برای ذخیره یخ استفاده می‌شد. / معنی جدید: وسیله خنک نگاه‌داشتن مواد غذایی] / اندوه: عدم تغییر معنایی / دستار: حذف بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) سوفار: حذف / سپر: حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید / گریه: عدم تغییر معنایی / دوال: حذف
۳) سوگند: تحوّل معنایی / جامه: عدم تغییر معنایی / غم: عدم تغییر معنایی / برگستوان: حذف

۴) شوخ: تحوّل معنایی / دیوار: عدم تغییر معنایی / حزن: عدم تغییر معنایی / آزنداک: حذف

۱۵۲ در گزینه (۱) زمینه «خرق عادت» برجسته است: به آسمان رفتن کاووس

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) اشاره به جشن نوروز: زمینه ملی

۳) اشاره به درفش کاوه: زمینه ملی

۴) اشاره به رسوم پادشاهی: زمینه ملی

۱۵۳ اشاره به عقاید مذهبی، مراسم اجتماعی و جشن‌ها و آیین‌ها جزء زمینه ملی حماسه به‌شمار می‌روند. در این بیت نیز به دو جشن آیینی ایرانیان باستان یعنی «مهرگان» و «سده» اشاره شده است.

۱۵۴ یکی از ویژگی‌های حماسه «ملی بودن» است. در حماسه واقعیاتی جریان دارد که نشانگر ویژگی‌های اخلاقی، نظام اجتماعی، زندگی سیاسی و عقاید فکری و مذهبی مردم آن جامعه است، ویژگی‌هایی چون «درم ریختن (گزینه ۲)»، «کینه‌خواهی (گزینه ۳)»، «نماز بردن (گزینه ۴)» همگی نشانگر عادات و رسوم ایرانیان بوده و بیانگر ویژگی ملی حماسه است.

۴۵۵ روضه خلد اثری است منشور از مجد خوافی.

۲۵۶ یکایک: ناگهان

معنی بیت: در همان هنگام، ناگهان از دربار پادشاه، صدای فریاد ستم‌دیده [ای] بلند شد.

۳۵۷ ضحاک به خاطر خوی بد و شیطانی‌اش «دیو» نامیده شده است. / گیهان خدیو: آفریدگار جهان، خداوند (گیهان: جهان / خدیو: خدا)

۴۵۸ معنی بیت: فرمان‌روا (ضحاک) با روی خشمگین به او (کاوه) گفت:

بگو که از چه کسی ستم دیده‌ای؟

۴۵۹ «مار» در اسطوره‌های ایرانی نماد «اهریمن» است.

۴۶۰ محضر: به معنی استشهدانامه، و «سپردن» به معنی زیر پا انداختن و پای‌مال کردن است.

۱۶۱ مفهوم گزینه (۱): سربلندی در فروتنی‌ست.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: تلاش کلید کام‌یابی‌ست.

۱۳۲ براندیشیدن: ترسیدن (اندیشیدن: فکر کردن)

۳۳۳ معنی درست واژه: سپردن: پای‌مال کردن

۳۳۴ معنی درست واژه: می‌ش: طبیعت، خو، خصلت

۳۳۵ طبق نظر کتاب درسی ظاهراً منظور از «پشت پا»، «روی پا» است!

۴۳۶ معنی درست واژه: دُزَم: خشمگین، عصبانی

۴۳۷ «گر» در این مصراع به معنی «یا» آمده است: تو شاهی یا ازدها هستی؟ در گزینه‌های دیگر، «گر»، پسوند وابسته‌ساز از نوع «حرف شرط» و مخفف (کوتاه‌شده) «اگر» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) اگر تو حقیقت این [موضوع] را می‌دانی

۲) اگر عمر سپری شد، بگو سپری شود، [جای] نگرانی نیست

۳) اگرچه بسیار ناپاک وارد این مسیر شده‌ام

دقت کنیم! گزینه (۱) - که در غیاب مصراع دومش معنی درست و درمائی هم ندارد - از اقبال لاهوری و درباره آسیب‌های غرب‌زدگی‌ست؛ شکل کامل بیت: «گر تو می‌دانی حسابش را درست / از حریرش نرم‌تر کرباس توست»

۳۳۸ املاي درست واژه: الحاح

۲۳۹ املاي درست واژه: فتنه

۳۴۰ املاي درست واژه: خواست

۳۴۱ املاي درست واژه: اساطير

۱۴۲ املاي درست واژه: غو

۴۴۳ املاي درست واژه: زال

۱۴۴ املاي درست واژه: الحاح

۳۴۵ املاي درست واژه‌ها: الحاح / خبث

۲۴۶ املاي درست واژه‌ها: خبث / فایق

۱۴۷ املاي درست واژه: گزند: آسیب، آفت

۱۴۸ برگستوان: حذف / رکاب: حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید /

کثیف: تغییر معنی / دیوار: حفظ معنی قدیم

۱۴۹ یخچال: حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید / گریه: حفظ معنی قدیم / پژه: تحوّل معنایی / ملطفه: حذف واژه

۱۵۰ ملطفه: حذف / رعنا: تحوّل معنایی [معنی قدیم: ۱- نادان ۲- متکبر / معنی جدید: خوش‌اندام، بلندقد] / یخچال: حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید / آتش: عدم تغییر معنایی

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) آزنداک: حذف / تماشا: تحوّل معنایی / کرسی: تحوّل معنایی / رکاب:

حفظ معنی قدیم و پذیرفتن معنی جدید

۳) فتراک: حذف / کثیف: تحوّل معنایی / دستار: حذف / چشم: عدم تغییر معنایی

معنایی

۴) باره: حذف / سفینه: تحوّل معنایی / جامه: عدم تغییر معنایی / انسان:

عدم تغییر معنایی

۴۶۲ در محیطی که پادشاه بیدادپیشهٔ ماردوش به وجود آورده بود، تاریکی و ظلم بر همه جا چیرگی داشت.

در گزینهٔ (۴) هم اوضاع این طور تصویر شده است:

«فرشته صورت خود را پنهان کرده و شیطان زیبایی خود را که در حقیقت، چیزی جز زشتی نیست، عرضه می‌کند.»

در واقع، راستی، پاکی و زیبایی گوشه‌نشین شده و ناراستی، زشتی و ناپاکی غالب شده است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) پرهیز از «تفرقه» به معنی «پراکندگی خاطر و آشفتگی خیال»

(۲) تقابل عشق و عقل

(۳) خوبی و بدی جمع ناپذیرند.

۴۶۳ مفهوم گزینهٔ (۳): شکایت و تظلم (دادخواهی) کاوه در بارگاه ضحاک. در این گزینه، حرفی از دعوت کاوه و همراهی مردم نیست.

پاسخ به دعوت کاوه در سایر گزینه‌ها:

(۱) بر او انجمن گشت بازارگاه

(۲) سوی لشکر آفریدون شدند

(۴) سپاهی بر او انجمن شد نه خرد

۴۶۴ مفهوم گزینهٔ (۳): نکوهش ناسپاسی در برابر خداوند؛ ناسپاسی نسبت به خداوند موجب تشویش خاطر و سلب آرامش روحی‌ست.

مفهوم مشترک ابیات سؤال و سایر گزینه‌ها:

در تمام این ابیات نوعی اوضاع اجتماعی ترسیم می‌شود که در آن همهٔ ارزش‌ها واژگونه شده‌اند و زشتی و پلیدی و بدی بر زیبایی و درستی و راستی چیره شده‌اند. (دوران پادشاهی ضحاک)

۴۶۵ مفهوم مشترک ابیات گزینهٔ (۱): واژگونه شدن ارزش‌ها و تسلط بدی بر خوبی

مفهوم سایر ابیات:

(ب) شکایت از بی‌عدالتی و تبعیض و بی‌توجهی پادشاه به حقوق رعیت

(ت) گله‌مندی از به خطا رفتن همگان در اطاعت از ضحاک

۴۶۶ مفهوم گزینهٔ (۴): حکمت خداوند، تعیین‌کنندهٔ اتفاقات و پدیده‌هاست و اسرار آن هم، برای انسان‌ها ناشناخته است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: فراموش شدن ارزش‌های اخلاقی و رواج زشتی‌ها

۴۶۷ مفهوم گزینهٔ (۴): ناپایداری دنیا

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: تغییر شرایط مساعد به نامساعد

۴۶۸ مفهوم گزینهٔ (۱): عقل، سامان‌دهندهٔ امور است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: جابه‌جایی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها

۴۶۹ مفهوم بیت‌های سؤال: حاکمیت حکومت ظالمانه

مفهوم گزینهٔ (۴): حاکمیت حکومت عدل و نابودی حکومت ظلم

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ناگوار شدن روزگارِ شاعر و تغییر شرایط مساعد به نامساعد

(۲) غفلت از گذر عمر

(۳) دگرگونی ارزش‌ها

۴۷۰ مفهوم گزینهٔ (۳): سازگاری روزگار با ظالمان

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: ظلم‌ستیزی

۴۷۱ مفهوم گزینهٔ (۳): توانایی لازمهٔ ستمگری است.

مفهوم مشترک ابیات سؤال و سایر گزینه‌ها: نکوهش دستیاری ظالمان

۴۷۲ «بپوید» به معنی «برخیزید» مستقیماً نشان‌دهندهٔ دعوت کاوه از مردم برای قیام علیه ضحاک است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نکوهش دستیاران ظالم

(۲) بازگشت امنیت و آسایش

(۳) دعوت به سخن‌پردازی

۴۷۳ ابیات سؤال بیانگر وقایع دورهٔ پادشاهی ضحاک، فرزند مرداس است.

هنگامی‌که به دستور ضحاک، هر شب دو مرد از کهتران یا مهترزادگان را به دیوان او می‌بردند و مغز سر آنان را خوراک مارهایی می‌کردند که از کتف

ضحاک رسته بودند، دو تن مرد پارسا و گران‌مایه راهی اندیشیدند و برای

نجات همه، تا حدّ امکان، به خوالیگری دست زدند. آنان خورش‌خانهٔ پادشاه

را بر عهده گرفتند و بدین ترتیب توانستند روزانه یکی از دو نفری را که برای

بیرون کردن مغز سرشان می‌آوردند، از مرگ نجات بخشند و در عوض، مغز

گوسفند را با مغز دیگری درآمیزند و به خورد ماران دهند.

۴۷۴ مفهوم گزینهٔ (۳): اتحاد پدیده‌های متضاد

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ظلم‌ستیزی

۴۷۵ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ (۲): ظلم‌ستیزی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ظالم، ظلم را می‌پرورد.

(۲) صبر عاشق بر جور و جفای معشوق

(۴) ناپایداری ظلم

۴۷۶ مفهوم گزینهٔ (۱): تأثیر ظلم ظالم تا ابد

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: ناپایداری ظلم

۴۷۷ مفهوم گزینهٔ (۲): شکایت از ظلم ظالمان

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: ناپایداری ظلم

۴۷۸ مفهوم گزینهٔ (۱): برکنار نبودن ظالم از اثر ظلم خود

مفهوم مشترک ابیات سؤال و سایر گزینه‌ها: ناپایداری ظلم